



An anthropological study of social and cultural barriers to creating nightlife in Tehran metropolis

Ahmad Naderi¹

1. Associate Professor, Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran;
Email: Anaderi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-12-01

Received in revised form:
2023-12-14

Accepted: 2023-12-17

Published online: 2024-03-19

Keywords:Urban nightlife, Lifestyle,
Leisure, Ethnography

ABSTRACT

Purpose: Nightlife was formed due to the developments related to the industrial revolution and gradually became a kind of modern lifestyle, which has undergone many changes until today, and its late form is influenced by postmodern developments. The modern human, who is now caught in the wave of postmodernity, reproduces himself socially in these relationships and as he becomes socialized in metropolises, he starts recreating the metropolitan arena and its social and cultural relationships. In the meantime, the most important of these relationships is the projection of modern capitalist culture and its social and cultural requirements, and as a result, the lifestyle associated with it. Tehran, as the capital of Iran, despite its great capacities and with a population of more than eight and a half million people, lacks nightlife. The purpose of this research is to investigate the social and cultural barriers to create nightlife in Tehran.

Methodology: The required information was collected by ethnographic method and using semi-structured interview and observation along with participation. The coding of the interview data in the next step has led to the finding of categories that we have analyzed in the conclusion. This research was conducted between February 1400 and April 1401 by ethnographic method. In order to carry out this research, the night life around the four main squares of Tajrish, Azadi, Pizarh and Shush have been directly and collaboratively observed on a total of 20 occasions due to their different spatial, class and leisure characteristics. The impressions of each field session, which lasted nearly four hours on average, were obtained based on recording points from observation, semi-structured interviews, and field notes. Interviews were often short, sudden and random, and only in a few cases led to a follow-up appointment and a longer interview. The conversations lasted between 10 and 50 minutes and these conversations were held between 10 pm and 2 am. After detailed implementation, the notes of the interviews were coded and evaluated at the sentence and phrase level for each of the interviews, and conceptual codes were extracted from the transcripts of the interviews.

Findings: After coding the interviews, we found 5 main categories of obstacles to creating nightlife in Tehran. These categories are: lack of infrastructure (including: lighting, public transportation, sidewalk construction, tourist guide and green space), lack of feeling of security (including: lighting, possibility of independent presence of women, possibility of family presence, access to police kiosk), Lack of attention to local culture (including: attention to regional subcultures, the agency of religious, scientific and recreational centers of each region), lack of management and planning (including: facilitating the presence of women, institutional participatory planning, needs assessment and creating space and program, understanding consumption cultural-leisure, legal facilities) and lack of sense of belonging (including: feeling of being forgotten, recognition of marginalized groups, empowerment, creation of nostalgic programs).

Cite this article: Naderi, A. (2024). An anthropological study of social and cultural barriers to creating nightlife in Tehran metropolis; *Iranian Journal of Anthropological Research*, 13(25),1-18.

Doi: <http://10.22059/IJAR.2023.369001.459849>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://10.22059/IJAR.2023.369001.459849>



مطالعه مردم‌شناختی موانع اجتماعی و فرهنگی ایجاد زیست شبانه در کلان‌شهر تهران

احمد نادری^۱۱. دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: Anaderi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: زیست شبانه، در اثر تحولات مربوط به انقلاب صنعتی شکل گرفت و رفته‌رفته تبدیل به نوعی سبک زندگی مدرن شد که تا به امروز تحولات بسیاری یافته و شکل متأخر آن متأثر از تحولات پست‌مدرن است. انسان مدرن که اکنون در موج پسامدرنیته نیز گرفتار است در این مناسبات خود را به لحاظ اجتماعی بازتولید می‌کند و همان‌طور که در کلانشهرها اجتماعی می‌شود دست به بازآفرینی عرصه کلان‌شهری و مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن می‌زند. در این بین مهمترین این مناسبات، فراکنی فرهنگ سرمایه داری مدرن و اقتضانات اجتماعی و فرهنگی آن و در نتیجه سبک زندگی مرتبط با آن است. تهران به عنوان پایتخت ایران با وجود ظرفیت‌های فراوان و با جمعیت بیش از هشت و نیم میلیون نفر، فاقد زیست شبانه است. هدف این پژوهش آن است که موانع اجتماعی و فرهنگی ایجاد زیست شبانه در تهران را مورد بررسی قرار دهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰	روش: اطلاعات مورد نیاز به روش مردم‌نگاری و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و مشاهده همراه با مشارکت جمع‌آوری شد. کدگذاری داده‌های مصاحبه در مرحله بعدی منجر به پیدایش مقولاتی شد که در نتیجه‌گیری به تحلیل آن پرداخته‌ایم. این پژوهش در فاصله زمانی بهمن‌ماه ۱۴۰۰ تا فروردین ۱۴۰۱ به روش مردم‌نگاری انجام شده است. برای انجام این تحقیق زیست شبانه اطراف چهار میدان اصلی تجریش، آزادی، پیروزی و شوش به سبب ویژگی‌های فضایی، طبقاتی و فراغتی متفاوت مجموعاً در ۲۰ نوبت مورد مشاهده مستقیم و مشارکتی قرار گرفته‌اند. برداشت‌های هر جلسه میدانی که به‌طور متوسط نزدیک به چهار ساعت طول کشیده است، بر اساس ثبت نکات حاصل از مشاهده، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ضبط شده و یادداشت‌های میدانی به‌دست آمده است. مصاحبه‌ها اغلب کوتاه، ناگهانی و تصادفی بوده و تنها در موارد اندکی منجر به قرار بعدی و انجام مصاحبه طولانی‌تر شده است. زمان گفتگوها بین ۱۰ تا ۵۰ دقیقه به‌طول انجامید و این گفتگوها بین ساعات ۱۰ شب تا ۲ صبح انجام شد. یادداشت‌های مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی دقیق، کدگذاری شده و در سطح جمله و عبارت برای هر یک از مصاحبه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و کدهای مفهومی از رونوشت مصاحبه‌ها استخراج شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳	یافته‌ها: پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، به ۵ مقوله اصلی موانع ایجاد زیست شبانه در شهر تهران دست یافتیم. این مقوله‌ها عبارتند از: فقدان زیرساخت (شامل نورپردازی، حمل و نقل عمومی، پیاده‌راه سازی، راهنمای گردشگری و فضای سبز)، فقدان احساس امنیت (شامل روشنایی، امکان حضور مستقل زنان، امکان حضور خانوادگی، دسترسی به کیوسک انتظامی)، عدم توجه به فرهنگ بومی (شامل توجه به خرده فرهنگ مناطق، عاملیت مراکز مذهبی، علمی و تفریحی هر منطقه)، فقدان مدیریت و برنامه‌ریزی (شامل تسهیل حضور زنان، برنامه ریزی مشارکتی نهادی، نیازسنجی و ایجاد فضا و برنامه، شناخت مصرف فرهنگی-فراغتی، تسهیلات قانونی) و فقدان حس تعلق (شامل احساس فراموش شدگی، به رسمیت شناختن گروه‌های حاشیه‌ای، توانمندسازی، ایجاد برنامه‌های نوستالژیک).
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها: زیست شبانه شهری، سبک زندگی، فراغت، مردم‌نگاری.	

استناد: احمد. (۱۴۰۲). مطالعه مردم‌شناختی موانع اجتماعی و فرهنگی ایجاد زیست شبانه در کلان‌شهر تهران، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۵)، ۱-۱۸.DOI: <http://10.22059/IJAR.2023.369001.459849>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <http://10.22059/IJAR.2023.369001.459849>

مقدمه

کلانشهر یکی از محصولات مدرنیته است. محصولی که با سایر اجزای مدرنیته و زندگی مدرن ارتباط مستقیم دارد و بر آن تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد این پدیده همچنین در تحولات منتج از فراقلمنی منطق یکدست ساز مدرن تبدیل به عرصه ای جهانی با مشخصاتی تقریباً مشابه شده است و البته اگرچه تبدیل به عرصه ای جهانی شده است اما جلوه‌هایی از امر بومی^۱ را نیز در کنار امر جهانی^۲ دارد.

آنچنان که گئورگ زیمل می‌گوید کلانشهر عرصه دو امر مدرن است: پول و روابط اقتصادی و فردیت؛ و این دو با سلطه عقل ابزاری و محاسبه‌گر بر فرد مدرن قرابت بسیار دارد (زیمل، ۲۰۰۶). کلان‌شهر، انسان مربوط به خود را با مشخصه‌هایی که درون امر مدرن است، می‌آفریند و یکی از این مشخصه‌ها فردگرایی و اصطلاحاً اتمیزه شدن جامعه است و اینجاست که شکاف میان سنت و مدرنیته آشکار می‌شود. از این‌رو، کلان‌شهر و هویت فرد در درون آن به‌طور کامل با هویت سنتی در روستاها و شهرهای کوچک متفاوت است. در واقع این کلان‌شهر است که افراد و هویت آنان را می‌آفریند و این هویت به گفته زیمل منطبق بر هستی شهر است که فردی‌ترین نوع هستی است. او معتقد است که مشخصه تحول فرهنگ مدرن، سلطه روح عینی بر روح ذهنی است و در این میانه در کلان‌شهر فرد تبدیل به پیچ و مهره‌ای در سازمان عظیم اشیاء و قدرت‌ها می‌شود که تمام معنویت، ارزش و حیات ذهنی او را سلب می‌کند تا او را به کنشگر عرصه عینیت در کلان‌شهر تبدیل سازد. منطق یک‌دست‌ساز کلان‌شهر-به تعبیر فرانکفورتی‌ها- خلاقیت را از فرد سلب می‌کند و از وی موجودی غیرانتقادی می‌سازد که سبک زندگی کلان‌شهر با تمامی اقتضاناتش بر او تحمیل شده است.

یکی از عرصه‌هایی که کلان‌شهرها از قرن نوزدهم میلادی به بعد با آن درگیر بوده‌اند موضوع زیست و زیست شبانه آن‌هاست. این نوع از زیست، در اثر تحولات مربوط به انقلاب صنعتی شکل گرفت و رفته رفته تبدیل به نوعی سبک زندگی مدرن شد که تا به امروز تحولات بسیاری یافته و شکل متأخر آن متأثر از تحولات پست‌مدرن است. این نوع از حیات که انسان مربوط به خود را آفریده و بازتولید می‌کند، در ابتدا با منطق رشد اقتصادی و استفاده بهینه از زمان در جوامع اروپایی شکل گرفت و کم‌کم به تمام دنیا سرایت یافت.

آن چنان که لئون کریتسمن در کتاب جامعه ۲۴ ساعته می‌گوید؛ تغییرات جمعیتی و اجتماعی، تغییر در الگوی کار، افزایش درآمد عمومی، افزایش تعداد مادران شاغل، میل به خروج از زندگی روزمره و انجام امور متنوع‌تر نظیر تفریحات و سرگرمی و گذران اوقات فراغت، همگی از جمله اموری هستند که منجر به شکل‌گیری عرصه دیگر زیست (زیست شبانه) در دنیای مدرن و پسامدرن شده است (کرایتسمن، ۱۹۹۹). از دهه آخر قرن بیستم مطالعات مربوط به شهرهای فراغتی یا شهرهای ۲۴ ساعته با تکیه بر دو عامل اقتصاد و فرهنگ، شکل خاصی به‌خود گرفت. این موضوع، تبدیل به یکی از دغدغه‌های محققان علوم اجتماعی شد که در آن‌ها به مطالعه گونه‌شناسی جوانان و خرده‌فرهنگ‌ها و تحولات مرتبط با آنان می‌پرداختند. مطالعات محققان در این زمینه را می‌توان در سه گونه‌ی مختلف دسته بندی کرد: مطالعات فرهنگ‌های زیست شبانه؛ مطالعات اقتصاد شبانه و مطالعات حوزه سلامت عمومی و جرم‌شناسی. که به ترتیب به سه حوزه در مورد زیست شبانه می‌پرداختند: حوزه‌های مصرف، تولید، و آسیب‌شناسی اجتماعی. این سه‌گونه مطالعات، تا به امروز ابعاد و موارد مختلف زیست شبانه را در کلان‌شهرهای مختلف دنیا بررسی کرده است.

1 The Local

2 The Global

در مجموع، زیست‌شبهانه بستری مدرن برای گونه‌ای دیگر و متفاوت از زندگی و حیات فراهم آورده و انسان مربوط به خود را به لحاظ ذهنی آفریده است. انسان مدرن که اکنون در موج پسامدرنیته نیز گرفتار است در این مناسبات خود را به لحاظ اجتماعی بازتولید می‌کند و همان‌طور که در کلان‌شهرها، اجتماعی می‌شود دست به بازآفرینی عرصه کلان‌شهری و مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن می‌زند. در این بین مهمترین این مناسبات، فراقلمنی فرهنگ سرمایه داری مدرن و اقتضات اجتماعی و فرهنگی آن و در نتیجه سبک زندگی مرتبط با آن است.

آنچه در مورد کلان‌شهر و منطق ذهنی و عینی آن گفته شد تا حدی در مورد کلان‌شهرهای ایرانی و در درجه اول تهران نیز صدق می‌کند. تهران به‌عنوان کلان‌شهری با جمعیت بیش از هشت و نیم میلیون نفر، امروزه مسائل زیادی را درون خود جای داده و بسیاری از مسائل مرتبط با کلان‌شهرهایی همچون نیویورک، لندن، برلین، توکیو و... را داراست. اگرچه نمودهای امر بومی و اقتضات مربوط به این امر در زیست‌مردمان ایرانی در تهران جاری و ساری است اما منطق کلانشهر و اقتضات مربوط به آن نیز در تهران وجود دارد. شب کلان‌شهر تهران، عرصه بروز و ظهور تناقضات بسیار است که در روز امکان رسمیت و مشاهده را ندارد و برای فهم، آسیب‌شناسی و سیاست‌گذاری نیازمند تحقیقات بیشتر است. هرچند، مطالعات شهرسازی در این حوزه فراوان به چشم می‌خورد اما متأسفانه میزان مطالعات اجتماعی شکل گرفته پیرامون این مسأله در ایران ضروری و نیازمند تحقیقات بیشتر است.

چارچوب مفهومی

سبک زندگی

اصطلاح سبک زندگی از دو واژه استایل^۱ و لایف^۲ تشکیل شده است. معنای واژه زندگی تا اندازه‌ای روشن است اما مفهوم سبک (نوع یا روش) نیاز به توضیح دارد. تعریف این واژه عبارت است از: «شکل دادن یا طراحی چیزی (نظیر موی سر، اسباب و وسایل منزل) تا بدین شیوه، جالب و جذاب به نظر آید. به عبارتی، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار» (فرهنگ لغات علوم اجتماعی کمبریج^۳، ۲۰۰۶) یا «شیوه مشخص و تکنیک خاصی که توسط آن چیزی انجام، ایجاد یا اجرا می‌شود» (فرهنگ لغات وبستر^۴، ۲۰۰۴). اما درباره معنای ترکیب «سبک زندگی» آمده است: «الگوهای مشخص نسبی کنش و فرهنگ که مردم را از یکدیگر تمایز می‌دهند» (فرهنگ لغات کمبریج، ۲۰۰۶). در جایی دیگر سبک زندگی «روش خاصی از زندگی یک فرد یا گروه» تعریف شده است (فرهنگ لغات آکسفورد^۵، ۲۰۰۸). مفاهیم شکل زندگی، شیوه زندگی کردن و سبک زندگی، به‌طور معمول برای بیان شیوه‌های مشابهی به کار می‌روند که طی آن‌ها زندگی روزمره آفریده می‌شود. گیدنز تأکید می‌کند که سبک زندگی در فرهنگ‌های سنتی رواج چندانی ندارد زیرا مستلزم گزینش از میان تعداد زیادی انتخاب‌های پیش‌روست و این امکان در جوامع پیشامدرن وجود نداشته است. سبک زندگی به تعریف وی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادات و جهت‌گیری‌هاست و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است (گیدنز، ۱۳۸۸، ۱۲۱). گیدنز در جایی دیگر درباره سبک زندگی می‌گوید: سبک زندگی، شکل اجتماعی مدرنی است که فقط از طریق تغییرات فرهنگی مدرن و گسترش فرهنگ مصرف معنا می‌یابد (گیدنز، ۱۹۹۱؛ بوردیو، ۱۹۸۴). در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها،

1 Style

2 Life

3 The Cambridge Dictionary of Sociology

4 Merriam Webster Dictionary

5 Concise Oxford Dictionary

رفتارها یا هویت افراد، که در تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱، ۶). امروزه این اصطلاح، کاربرد عامیانه فراوان و گسترده‌ای یافته و اغلب برای توصیف وسایل مصرفی، اسباب و اثاثیه و ... به کار می‌رود. اما باید توجه داشت که این مفهوم کلیت وسیع‌تری را در بر داشته و دامنه گسترده‌ای از امور عینی و ذهنی را شامل می‌شود. به‌طور کلی، مفهوم سبک زندگی، الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را دربر می‌گیرد و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی که عضو آن است را نیز بازنمایی می‌کند (اوانس و جکسون، ۲۰۰۷؛ بوکوک، ۱۹۹۳). درباره مفهوم سبک زندگی تعاریف بسیاری در حوزه علوم اجتماعی وجود دارد که در طول تاریخ تطور یافته و تکمیل شده‌اند و یا به‌طور کلی از منظرهای مختلفی به این مفهوم پرداخته‌اند. در این مقاله آنچه از مفهوم سبک زندگی به کار می‌آید از تعریف مفاهیم پول و مد زیمل و عادت‌واره^۱ بوردیو و تعریف ویلن از ثروت به‌عنوان عامل کسب منزلت، در ارتباط با مفهوم سبک زندگی گرفته شده است.

ویلن، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند. وی در پی این مساله است که افراد چگونه منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. به نظر او، ثروت مهم‌ترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن مصرف تظاهری و نمایشی است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیورآلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می‌کنند (ویلن، ۱۳۹۶). نهاد اجتماعی و مصرف دو مفهوم اساسی اندیشه ویلن به‌شمار می‌آیند. او بشر را ناگزیر از حضور در اجتماع برای تداوم و توسعه زندگی می‌داند و نهاد اجتماعی تبلور نحوه حضور و انطباق فرد با جامعه است. (مهدوی کنی، ۱۳۹۰).

بوردیو به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران متأخر و برجسته‌ترین نظریه‌پردازان حوزه مصرف و سبک زندگی، مصرف را رکن حیاتی عصر حاضر دانسته و معتقد است عادت‌واره شکل‌گرفته در افراد، در شکل دادن به الگوی مصرف آن‌ها بسیار تأثیرگذار است. بوردیو معتقد است که گروه‌های مسلط، معیارهای فرهنگی و سبک زندگی خود را ارزشمند نشان می‌دهند و با این کار، موقعیت هژمونیک خویش را قانونی جلوه داده، آن را حفظ می‌کنند. بوردیو سبک زندگی را محصول نظام‌مند عادت‌واره می‌داند که از خلال رابطه‌اش با آن درک می‌شود و به‌صورت نظامی از نشانه‌ها درمی‌آید که بیشتر جنبه عینی داشته، به‌گونه‌ای نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان اقصای مختلف تمایز ایجاد می‌کند. پس عادت‌واره و سرمایه‌های چهارگانه-اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین-فرد در میدان‌های مختلف؛ درون فضای اجتماعی، الگوی مصرف و به تبع آن سبک زندگی خاصی را برای فرد و گروه به‌وجود می‌آورند که منجر به تمایز اجتماعی و هویت‌بخشی می‌شود. افراد به‌واسطه برخورداری از انواع مختلف سرمایه دست به مصرف فرهنگی و مادی می‌زنند. اغلب افراد تلاش می‌کنند با مصرف نوع خاصی از کالاها یا نوع خاصی از پوشاک و ...، تغییر طبقاتی خود را اعلام کنند و یک هویت طبقاتی و سبک زندگی جدید را به‌دست آورند (بوردیو، ۱۹۸۴).

سبک زندگی از دیدگاه زیمل، راهی است که افراد از طریق آن هویت خود را در رابطه با جامعه، تعریف می‌کنند. در واقع، شالوده اصلی بحث زیمل را، ارتباط پیچیده بین سبک زندگی مدرن و نحوه هویت‌یابی افراد تشکیل می‌دهد. سبک‌های زندگی از نظر زیمل، استراتژی‌هایی برای تحقق یافتن تسلط فرهنگ عینی برای زندگی روزمره در جامعه مدرن می‌باشند (کوکرها، ۱۹۹۷، ۱۳۱). زیمل در تعریف سبک زندگی می‌گوید: «ویژگی تردیدناپذیر سبک به‌معنای دقیق کلمه مبتنی است بر واقعیت مشترک بین قوانین شکل آفرین. سبک خصلتی مشاهده پذیر است که اشیاء و مردمان به‌واسطه آن خود را به ما می‌نمایانند. سبک زندگی صورت و شکل زندگی فرد یا افراد در برش خاصی است که مایه پیوند و اشتراک آن‌هاست» (زیمل، ۱۳۹۵، ۲۱۹). وی فصل پایانی کتاب فلسفه

پول^۱ خود را به سبک زندگی اختصاص داده و در آن به رابطه بین پول و سبک زندگی اشاره می‌کند. از نظر زیمل پول نماد جامعه مدرن است که تأثیر فرهنگی آن به بیشتر پدیده‌های اجتماعی می‌رسد. محوریت پول در سبک زندگی همچون بخشی از بدن می‌تواند از هر سبک زندگی سر برآورد یا به آن متصل شود. از این منظر، پول عامل جدایی و فاصله انسان‌ها از یکدیگر و اشیاء است (نک: گرونو، ۱۳۹۲، ۱۹۹-۲۰۰ به نقل از آتشین‌صدف و خیری، ۱۳۹۹، ۵۶). از نظر زیمل پول واسطه میان ابژه و سوژه یا خود اشیاء است. پول اثری بنیادین بر نحوه ارتباط این دو با یکدیگر دارد تا جایی که می‌توان گفت نحوه شکل‌گیری این رابطه تحت تأثیر پول است. اساساً تنوع سبک‌های زندگی چه از حیث صوری و چه از جهت محتوا و معنا تحت تأثیر پول و رابطه‌ای است که افراد مختلف با حیطه‌ها و اشیای گوناگون پیرامون خود دارند (آتشین‌صدف و خیری، ۱۳۹۹، ۵۶). یکی دیگر از مفاهیمی که زیمل ذیل بحث سبک زندگی مطرح می‌کند، بحث مُد است. زیمل مُد را نوعی صورت‌بندی اجتماعی می‌داند که ترکیب‌کننده دو سر طیف تمایز و تقلید است. مُد از طرفی شیوه قابل قبولی برای تمایز بین فرد و دیگران است و از سوی دیگر، نیاز فرد به تقلید و همگونگی اجتماعی را پاسخ می‌دهد. از نظر زیمل، ذات مُد در توانایی آن در ارضای نیاز مردم به تقلید از دیگران نهفته است؛ علاوه بر آن که میل و نیاز مردم به متفاوت بودن را تأمین می‌کند. درحقیقت در ذات مُد، دو انگیزه بنیادین اجتماعی یعنی وحدت و تمایز جمع شده است (همان، ۶۱).

فراغت

اوقات فراغت بخش مهمی از زندگی روزمره به‌شمار می‌رود و نقش مهمی در سلامت، رفاه و کیفیت زندگی افراد و جوامع دارد. تفریح موجبات تولید و بازتولید ارزش‌هایی را فراهم می‌آورد که به‌عنوان عنصر اصلی حفظ سبک زندگی سالم نقش مهمی ایفا می‌کنند. فراغت، پدیده اجتماعی پیچیده‌ای است که بر بسیاری از اقشار جامعه تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به اشکال مختلف فردی یا گروهی ارائه شود (آگر و دیگران، ۲۰۱۸). امروزه ترویج و توسعه اوقات فراغت و نحوه گذران آن، از مسائل جدی و نگرانی‌های اصلی دولت‌ها و سیاست‌گذاران به‌شمار می‌آید (راس و سیرل، ۲۰۱۹).

فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود برای استراحت، تفریح، آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰، ۷۲). جامعه‌شناسان معتقدند، فراغت تجربه‌ای است که فرد هنگام رهایی از الزامات کار روزانه براساس تمایلات و رهیافت‌های شخصی و مشارکت داوطلبانه متناسب با نیاز و ذوق خود انتخاب می‌کند تا جسم، فکر و شخصیت او رشد و پرورش یابد. چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است (ساروخانی و میرزایی، ۱۳۹۰، ۲).

اصطلاح فراغت معمولاً با ویژگی‌هایی چون «آزادی از اضطرار»، «فرصتی برای انتخاب»، «زمانی فراتر از اوقات کار» یا زمان آزاد بعد از انجام وظایف اجتماعی توصیف می‌شود. پرسش از مفهوم فراغت، پاسخ‌های متفاوتی می‌طلبد، عموماً فراغت در معنای متضاد با کار به کار می‌رود، اما گاهی آن‌چه برای یک نفر کار محسوب می‌شود، برای دیگری در حکم فراغت است. آزادی از الزام اگرچه اغلب به‌عنوان کلید توجه به فراغت محسوب می‌شود ولی باید توجه داشت که بسیاری از فعالیت‌های جمعی خانگی، اجتماعی و داوطلبانه که غیر کار محسوب می‌شوند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای با الزام همراه هستند. برخی به اوقات فراغت به‌عنوان فرصتی برای آرامش و استراحت می‌نگرند، هر چند که بیشتر مردم اوقات فراغتشان را به انجام خدمت، مطالعه، آموزش جدی یا نوشتن یک کتاب

1 The Philosophy of Money

اختصاص می‌دهند. چنان که ملاحظه می‌شود تعریف مفهوم فراغت به آسانی ممکن نیست اما با تعمق در ادبیات مربوط به آن، می‌توان سه ویژگی اساسی از فراغت را ارائه داد:

الف) فراغت به مفهوم «مازاد»، زمانی که برنامه و وظایف الزام آوری برای آن در نظر گرفته نمی‌شود.

ب) فراغت به معنای حالتی از بودن، یک نگرش، شیوه‌ای از انجام امور.

ج) فراغت در مفهوم کارکردی، فعالیت آزادانه انتخاب شده‌ای که به شکل‌گیری شخصیت منجر می‌شود.

وجه مشترک همه این مفاهیم، آزادی از ضرورت و اجبار است. این ویژگی با نگرش اکثر افراد نیز مطابقت دارد. مفهوم فراغت در نزد عموم غالباً با تأکید بر آزادی از الزام همراه است. در این معنا فراغت آن چیزی است که شما مایل به انجام آن هستید نه آن چه مجبور به انجام آن باشید (بمل و بمل، ۱۹۹۶). برای مفهوم فراغت نظریات و تعاریف متعددی وجود دارد که ذکر تمامی آن‌ها در این سطور نمی‌گنجد. اما توجه به کلیه این تعاریف نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم بین مفهوم فراغت و سبک زندگی برقرار است. اوقات فراغت، عرصه ظهور و بروز سبک‌های زندگی است و مفهومی عینی و گویاست که سبک زندگی و در نتیجه هویت را در گویاترین و محسوس‌ترین شکل خود بیان می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۲، ۱۳۷). دومایزه سه کارکرد مهم برای فعالیت‌های فراغتی قائل است: «استراحت» که نقش آن رفع خستگی، جبران فشارهای روحی و جسمی ناشی از هیجان‌های مداوم کار و انجام وظایف گوناگون است؛ «تفریح» که نقش آن رها کردن انسان از کسالت ناشی از یکنواختی انجام وظایف در محل کار و خانه است؛ «رشد شخصیت» که از طریق افزایش معلومات و اطلاعات و افزایش مشارکت اجتماعی افراد حاصل می‌شود. (دومایزه، ۱۹۸۸).

وبلن نیز نظریه قابل توجهی درباره اوقات فراغت دارد. وی که بی‌تردید به‌عنوان یکی از پیشگامان نظریه‌پردازی در باب اوقات فراغت است، در اواخر قرن نوزدهم با تدوین کتاب «نظریه طبقه مرفه: به‌سوی یک جامعه فراغتی»، از جنبه انتقادی به جامعه‌شناسی اوقات فراغت پرداخت. وی در این کتاب، وضعیت اوقات فراغت را در بین طبقه مرفه در یک جامعه بورژوازی مطالعه کرد. وبلن پس از تشریح وضعیت فرهنگی طبقه مرفه، به وجود معیارهای متفاوت زیباشناسی آن‌ها از بقیه اعضای جامعه پرداخت و تصریح کرد که این معیارها مغلوب معیارهای مادی شده‌اند. وی در ادامه، مفهوم مصرف‌نمایشی خود را بیان کرده و معتقد است افراد از دو راه می‌توانند موقعیت مالی و پولی خود را نشان دهند (وبلن، ۱۳۹۶):

الف) اوقات فراغت تظاهری: مختص شرایطی است که افراد یکدیگر را بهتر می‌شناسند.

ب) مصرف تظاهری: این شرایط به شهرهای بزرگ مربوط است که افراد از یکدیگر شناخت کامل و دقیقی ندارند.

هرچند فراغت مفهومی برخاسته از فرهنگ مدرن همراه با لوازم و پیش‌شرط‌های تمدن مدرن است و بن‌مایه‌هایی از نیازهای بشری درون خود دارد که سبب دوام و فراگیری آن شده است و این ریشه‌ها و چرایی‌های فراغت‌جویی که در اغلب نظریه‌های حوزه فراغت مشهود است، مسائلی را در بر می‌گیرد که نحوه پاسخ‌گویی بدان ریشه در انسان‌شناسی تمدن غرب دارد ولی اصل مسائل که از نیازهای بشر سرچشمه می‌گیرد؛ موضوعاتی است که در برنامه‌های اسلامی نیز مغفول نبوده و هم در حکمت اسلامی و هم در ذیل روایات و آرای اندیشمندان مسلمان بدان پرداخته شده است (امین‌فر و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۴۲).

زیست شبانه شهر

پس از انقلاب صنعتی و به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی به‌بعد، با توسعه صنعت و اقتصاد، مشکلات بسیاری از جمله ترافیک و ازدحام اماکن عمومی برای کلانشهرها به‌وجود آمد و زمینه‌گرایش به زندگی شبانه با اهداف رهایی از محدودیت‌های زمانی و افزایش زمان فراغت، کاهش زمان کار در روز، افزایش فعالیت در شب، بهبود سیمای شبانه شهر، توسعه اقتصاد شبانه و فراهم کردن فعالیت‌های

اجتماعی و فراغتی برای گروه گسترده‌ای از شهروندان شکل گرفت (صادقی‌بخش و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۰۷). این رهیافت با سه دیدگاه پایه‌گذاری شد؛ توسعه اقتصاد در نوبت عصر در شهر، تصویر ذهنی برای جلب سرمایه‌گذاری و فراهم ساختن مراکز شهری امن‌تر برای استفاده مردم (صادقی‌مقدم چوکامی و دیگران، ۱۳۹۳، ۲-۱۰).

مفهوم «شهر شب»، به‌عنوان یک شهر ۲۴ ساعته، بخشی از تلاش صورت‌گرفته برای استفاده از زندگی شبانه جهت توسعه گردشگری و اقتصاد است چرا که شهر با افزایش دو برابری مدت فعالیت، پویایی و کارایی اقتصادی دو برابری یافته و از این طریق فرصت افزایش رونق اقتصادی برای آن فراهم خواهد شد. (شاه، ۲۰۱۴، ۸۹) از دیگر سو، گردشگری نیز به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی جایگزین در یک اقتصاد تک‌محصولی می‌تواند روند توسعه را با تنوع‌بخشی به اقتصاد ملی تسریع نماید (امیرحاجلو، ۲۰۱۴، ۱۷). شهر شب، انباشتگی و تراکم فعالیت‌های شبانه است که موجبات پویایی را فراهم کرده و اگر تولید انرژی در شب مقدور باشد، از این دیدگاه می‌توان در جهت افزایش رونق اقتصادی شهرها بهره گرفت. از دیگر مزایای شهر شب می‌توان به ترویج منظر و فرهنگ محلی در طول شب، ایجاد فرصت‌های جدید شغلی برای کاهش فقر در نواحی شهری و روستایی، ارتقاء اقتصاد محلی، فراهم کردن مکانی برای زندگی و تفریح در شهر برای مردمی که خاستگاه‌های مختلفی دارند و گشودن پنجره‌ای جدید برای واکاوی اقتصاد شهری در بسیاری از زمینه‌ها اشاره کرد (زکی و انگسان، ۲۰۱۲، ۲۰۵-۲۰۶).

مطالعات نشان می‌دهد که چارچوب یکپارچه رویکرد شهر ۲۴ ساعته شامل برنامه‌ریزی زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که در جهت توسعه مراکز شهری، از سه محور اصلی به هم پیوسته تبعیت می‌کند: مردم، مکان، خلاقیت (رووه و دیگران، ۲۰۰۸، ۳۱). زیست شبانه در شهرهای مختلف متفاوت است. هر شهری یک ایده مرکزی دارد و با توجه به فرهنگ و جغرافیای هر شهر مدل‌های گوناگونی از زیست شبانه شهری می‌توان تعریف کرد.

پیشینه پژوهش

مطالعات اجتماعی در حوزه زیست شبانه در ایران بسیار محدود بوده و بیشتر از منظر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری انجام شده است. با این وجود مطالعاتی مرتبط با فراغت، سبک زندگی و زیست شبانه وجود دارد که براساس میزان همبستگی با مسأله مورد نظر در این تحقیق به آن‌ها می‌پردازیم.

دوستی، (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی اجرای طرح زندگی شبانه با رویکرد پدیدارشناسی در منطقه ۲۲» با رویکرد پدیدارشناسی برای کسب و جمع‌آوری اطلاعات، از رویکرد اول شخص از طریق مشاهده دقیق مکان‌ها و محیط‌ها به منظور دریافت تجربه‌های دست اول یا تجربه‌های زیستی و از رویکرد اگزیستential از طریق طراحی و انجام مصاحبه‌های عمیق) نیمه ساخت‌مند (برای دریافت عقاید و افکار مصاحبه‌شوندگان برای آزمون مولفه‌های حاصل از مبانی نظری استفاده نموده و نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که با کمی توجه به جذابیت‌های بصری و طبیعی، محدوده مورد نظر ضمن دارا بودن قابلیت اجرای طرح زندگی شبانه و به طور ویژه در مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی، موجبات سرزندگی فضای عمومی شهر و ایجاد اقتصاد پایدار شهری را فراهم می‌آورد.

صمدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی و آمایش راهبردهای تحقق شهر شبانه در کلان‌شهر مشهد با تأکید بر شاخص‌های سرزندگی شهری» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نرم افزار سوپر دسیژن^۱ به ارزیابی و

اولویت‌بندی استراتژی‌های حاصل پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که باتوجه به ورود میلیونی زائرین به این شهر و وجود عملکردهای تجاری، تفریحی و مذهبی، مشهد پتانسیل زیادی برای ایجاد زیست شبانه داشته و ارتقای زیرساخت‌ها، تأمین امنیت و پرداختن به سیستم حمل و نقل شبانه‌روزی می‌تواند این شهر را به یکی از مراکز دینی ۲۴ ساعته جهان اسلام بدل سازد.

حاتمی نژاد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه ریزی راهبردی زندگی شبانه در مراکز شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران)» با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تکنیک دلفی، اسنادی و میدانی، با هدف تعیین راهبردهای مناسب برای تداوم حیات شبانه در منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران به ارزیابی پرداخته و در نهایت از فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی، برای امتیازبندی ماتریس عوامل داخلی و خارجی از نظر متخصصین بهره گرفتند. در این پژوهش مشخص شد که موقعیت استراتژیک زندگی شبانه در منطقه ۱۲، موقعیت بازننگری یا انطباقی^۲ است و استراتژی‌های متناسب با این موقعیت با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی کمی^۳، از نظر میزان جذابیت اولویت‌بندی شده‌اند.

خورسند، خیرالدین و علی‌الحسابی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «زندگی شبانه شهری از منظر آموزه‌های اسلامی: استنباط الگوی بومی شهر ۲۴ ساعته و حیات شبانه متناسب با سبک زندگی اسلامی» که با روش کیفی کتابخانه‌ای و طی مطالعات اسنادی و بررسی تجارب جهانی انجام شده است، معیارها و مطلوبیت‌های رخ داده در شهرهای ۲۴ ساعته غربی را با مبانی و سبک زندگی سرزمین‌های اسلامی مغایر دانسته و بیان می‌کنند توجه صرف به اقتصاد شهر در شب، نمی‌تواند الگوی مناسب این سرزمین‌ها باشد بلکه ساماندهی فضا با محوریت خانواده برای حضور حداکثری اقشار مختلف در بستر فرهنگ اسلامی بایستی مد نظر قرار گیرد.

صادقی بخش، استعلاجی و سرور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «آثار اقتصادی و اجتماعی تحقق حیات شبانه در برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: تهران و حوزه نفوذ)» که با رویکرد تلفیقی کیفی و کمی انجام شده است. ابتدا از طریق موردکاوی به تبیین جنبه‌های مختلف حیات شبانه در برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری مجموعه شهرداری تهران پرداخته و سپس به وسیله پیمایش گردآوری و تحلیل داده‌ها را انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق بیان‌گر آثار و ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی تحقق حیات شهری در تهران است.

شیخ‌بیگللو و تبریزی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «توسعه گردشگری شبانه شهری در ایران»، با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و انجام پیمایش و تحلیل آن از روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۴ به ارزیابی مقایسه‌ای پنج شهر اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و یزد از نظر چهار معیار «جاذبه‌ها و خدمات»، «وضع موجود شهر شب»، «مطلوبیت محیطی» و «وضعیت حمل و نقل شبانه» پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داده است که شهر اصفهان با امتیاز قابل ملاحظه‌ای گزینه ترجیحی پایه‌گذاری و توسعه گردشگری شبانه در سطح ملی محسوب می‌شود.

لیو و همکاران، (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «دیدگاهی جغرافیایی در شکل‌گیری چشم انداز زندگی شبانه شهری» به بررسی ۴ خیابان معروف در گوانگژو پرداخته و بینش‌هایی را در مورد شکل‌گیری و مکانیسم‌های زیبایی‌شناختی مناظر زندگی شبانه شهری ارائه کرده و بر اهمیت برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران برای در نظر گرفتن بافت فضایی-تاریخی هنگام تدوین استراتژی‌ها برای طرح‌های زیباسازی شهری تأکید کرده‌اند.

1 SWOT

2 WO

3 QSPM

4 AHP

الشاطر و ابوسعدا (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «اثرات فعالیت‌های شبانه بر فضاهای شهری و طراحی: مطالعه موردی قاهره، مصر» با بررسی و ترکیب شواهد نظری و تجربی در مورد حمایت حاکمیت شهری در رابطه با مشارکت ساکنان محله برای بهبود یا حذف زندگی شبانه، به تحقیق می‌پردازند. روش آن‌ها مبتنی بر مرور سیستماتیک، مشاهده مستقیم و مصاحبه با نمونه‌های تصادفی از ساکنان، کارگران و بازدیدکنندگان در مکان‌های تجاری و تفریحی بود. این پژوهش به نقد تغییرات فضای عمومی مسجد الحسین می‌پردازد که منجر به تغییر شکل‌های شهری شده و زندگی شبانه در قاهره قدیم را تحت تأثیر قرار داده است.

جیوواناردی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «اجرای مشترک مکان‌های گردشگری: جشنواره شب صورتی»، ابعاد مختلف فستیوال شب صورتی در ایتالیا را بررسی کرده‌اند. جامعه هدف این تحقیق شامل شرکت کنندگان در مراسم مغازه داران و هنرمندان بوده است. مؤلفه‌های مورد مطالعه در پژوهش شامل اقامتگاه هتل و مهمان‌خانه امکانات و خدمات فرهنگ مهمان‌نوازی و مهمان‌داری هنجارهای اجتماعی در جامعه میزبان می‌باشد و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شده است.

شاو (۲۰۱۴) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «فراتر از اقتصاد شبانه: فضاهای تأثیرگذار شب شهری، ژئوفروم»، پیرامون شهر شب و اقتصاد شبانه، به بررسی ویژگی‌های شهر شب، شامل خدمات حمل و نقل عمومی شبانه، حضور مردم در فضاهای شهری در ساعات شب، خدمات شهری شبانه تفریحات و به‌ویژه مراکز شهری فعال شبانه در شهر نیوکاسل در انگلستان پرداخته است. جامعه آماری تحقیق، رانندگان تاکسی و رفتگران خیابان‌های مرکز شهر می‌باشد که ۶ نفر از رانندگان تاکسی و ۱۳ نفر از رفتگران به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده است. پیمایش انجام شده از طریق رانندگان تاکسی ظرف یک ماه طی فعالیتی به مدت حداقل ۵ ساعت در بازه زمانی ساعت ۱۸:۰۰ تا ۵:۰۰ بوده و اطلاعات گردآوری شده از رفتگران نیز بر اساس مشاهدات مستمر آن‌ها طی مدت شش ماه بوده است و در نهایت محدوده شهر شب بر اساس داده‌های مذکور ترسیم شده است.

نگسان کریم و زبیر (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «هویت مکان شبانه: رابطه بین محیط پارک‌های عمومی شهری و رفتار اوقات فراغت انسان»، به بررسی رابطه بین مکان پارک‌های عمومی شهر و اوقات فراغت انسان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که پارک عمومی شهری برای رفاه و سرزندگی شهروندان طراحی شده و می‌تواند روابط اجتماعی جامعه را برای دستیابی به بالاترین کیفیت زندگی شهری، تشویق کند. در این تحقیق، پیشنهاد شده در دو شهر بزرگ مالزی از جمله شاه آلم و پوتروجا، نمونه‌های بیشتری از پارک‌های شهری ایجاد شود تا بتوان به درک درستی از رابطه بین اوقات فراغت شهروندان و حضورپذیری آنان در فضاهای عمومی شهری پرداخت.

راو و لینج (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «کار و بازی در شهر: بازتاب‌هایی در مورد اقتصاد اوقات فراغت شبانه سیدنی»، ضمن تأکید بر حضورپذیری جوانان در زمینه اشتغال و گذران اوقات فراغت در شب شهر سیدنی به این نتیجه رسیدند که حضور پذیری مردم به دلیل دخالت‌های دولت از طریق برنامه‌ریزی جهت ایجاد امکانات تفریحی شبانه برای میزبانی المپیک باعث رونق اقتصاد شبانه شهر و حضور پذیری مردم جهت گذران اوقات فراغت و کار شده است.

زکی و گسان، (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «طراحی مجدد شهر آینده-چگونه الگوی حرکت با مفهوم شهر شب تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟»، شاخصه‌های شهر شب شامل را در مالاکا واقع در مالزی مطالعه نموده و بر این اساس، محدوده مورد نظر را با استفاده از GIS بازطراحی نموده‌اند. آن‌ها در این تحقیق، مؤلفه‌های منظر شبانه شهر، فرهنگ زندگی شبانه، حمل و نقل، تفریحات، مدیریت فعالیت‌ها و خدمات شبانه و فضای اجتماعی شبانه واحدهای تجاری به‌عنوان شاخصه‌های شهر شب معرفی کرده‌اند.

راو و باوینشن (۲۰۱۱) در پژوهشی باعنوان «مناقصه برای شب: پیچیدگی‌های فرهنگی پس از تاریکی در اقتصاد شبانه»، به این نتیجه رسیدند که اقتصاد شبانه بدون در نظر گرفتن فرهنگ ساکنان و حضور آن‌ها امکان‌پذیر نیست و هیچ راه‌حل جهانی برای مشکلات اقتصاد شبانه وجود ندارد مگر با مشارکت محلی و الگوی مناسب فرهنگی.

روش پژوهش

مقاله حاضر، حاصل تحقیقی کیفی بر اساس مردم‌نگاری است. مردم‌نگاری یک روش پژوهش کیفی در رشته انسان‌شناسی به‌شمار می‌آید که شامل مشاهده، ثبت و ضبط روابط اجتماعی، اماکن و فرهنگ‌ها می‌باشد. در مردم‌نگاری تنها به توصیف کمی پدیده‌ها اکتفا نمی‌شود بلکه هر پدیده در بافت خود به‌صورت کیفی تفسیر می‌شود. تفسیر کیفی پدیده‌ها در شرایط طبیعی ایجاد می‌کند که پژوهشگر از نزدیک بر زمینه پژوهش وارد شود (نعمتی شمس آبادی، ۱۳۸۷). مردم‌نگاری درحقیقت نوعی تحلیل به‌شمار می‌رود. این پژوهش در فاصله زمانی بهمن‌ماه ۱۴۰۰ تا فروردین ۱۴۰۱ به روش مردم‌نگاری انجام شده است. برای انجام این تحقیق زیست شبانه اطراف چهار میدان اصلی تجریش، آزادی، پیروزی و شوش به سبب ویژگی‌های فضایی، طبقاتی و فراغتی متفاوتاً در ۲۰ نوبت مورد مشاهده مستقیم و مشارکتی قرار گرفته‌اند. برداشت‌های هر جلسه میدانی که به طور متوسط نزدیک به چهار ساعت طول کشیده است، بر اساس ثبت نکات حاصل از مشاهده، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ضبط شده و یادداشت‌های میدانی به‌دست آمده است. مصاحبه‌ها اغلب کوتاه، ناگهانی و تصادفی بوده و تنها در موارد اندکی منجر به قرار بعدی و انجام مصاحبه طولانی‌تر شده است. زمان گفتگوها بین ۱۰ تا ۵۰ دقیقه به طول انجامیده و این گفتگوها بین ساعات ۱۰ شب تا ۲ صبح انجام شده است. یادداشت‌های مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی دقیق، کدگذاری شده و در سطح جمله و عبارت برای هر یک از مصاحبه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و کدهای مفهومی از رونوشت مصاحبه‌ها استخراج شده است. با استخراج کدهای مفهومی مشترک و با پالایش و حذف موارد تکراری، مفاهیم شناسایی و در قالب مقوله‌های فرعی (مؤلفه‌ها) سازماندهی و پس از مطالعه جنبه‌های مختلف و تعیین ارتباط بین مقوله‌ها و مسیریابی شرطی، مرحله کدگذاری نهایی انجام شده است.

محدودیت‌های پژوهش

لازم به ذکر است، طی فرایند این تحقیق، پژوهشگر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از جمله در بخش آسیب‌های شبانه، ارتباط با کارتن‌خوابان، معتادین و کارگران جنسی خصوصاً ارتباط با زنان در این سه گروه بسیار زمان‌بر بوده و جلب توجه و اعتماد آن‌ها با محدودیت‌های فراوانی انجام شده است. در عین حال راستی آزمایی سخنان این افراد و مقایسه حرف‌های آن در طول مصاحبه نیازمند صرف زمان و داشتن تعداد مصاحبه‌ها و مشاهدات بسیار زیادی در این حوزه بوده است. علاوه بر آن، مشاهدات انجام شده در شب، علاوه بر ایجاد مخاطرات برای پژوهشگر و همکاران پژوهشی چالش‌های فراوانی را در مواجهه با نیروی انتظامی فراهم آورده بود. جلب اعتماد نیروی پلیس در شب برای مصاحبه‌کنندگان به معنای از دست دادن اعتماد خلافاکاران و در نتیجه عدم دستیابی به نتایج دقیق درمورد این دسته از افراد به‌شمار می‌آید.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	نام	سن	وضعیت تأهل	شغل	مدت زمان مصاحبه
۱	مرد	حسین	۴۲	متاهل	دست‌فروش	۱۰ دقیقه
۲	مرد	علی	۶۴	متاهل	بازنشسته	۵۱ دقیقه
۴	مرد	مسعود	۳۷	مجرد	بیکار-کارتن خواب	۳۵ دقیقه
۵	زن	مهسا	۲۹	مجرد	فروشنده مواد مخدر	۱۲ دقیقه
۶	مرد	مهدی	۵۹	متاهل	طلاساز	۲۲ دقیقه
۷	مرد	آرش	۳۳	مجرد	نمایشگاه ماشین	۱۴ دقیقه
۸	زن	منیره	۳۲	متاهل	کارگر جنسی ^۱	۳۵ دقیقه
۹	مرد	جلال	۴۵	متاهل	رفتگر	۱۳ دقیقه
۱۰	زن	پروین	۴۰	مجرد	بیکار-کارتن خواب	۵۰ دقیقه
۱۱	مرد	علیرضا	۲۵	مجرد	راننده	۲۲ دقیقه
۱۲	مرد	احمد	۳۶	متاهل	زباله‌گرد	۱۴ دقیقه
۱۳	مرد	محمد	۴۷	مجرد	فروشنده سیگار	۳۰ دقیقه
۱۴	زن	سمانه	۲۶	مجرد	بیکار	۱۷ دقیقه
۱۵	مرد	سعید	۲۷	متاهل	بیکار-قمار	۱۱ دقیقه
۱۶	مرد	سینا	۲۳	مجرد	کارگر جنسی	۲۷ دقیقه
۱۷	زن	ستایش	۳۴	مجرد	آرایشگر	۳۵ دقیقه
۱۸	زن	زری	۴۴	مجرد	دستفروش	۱۲ دقیقه
۱۹	مرد	کریم	۵۸	مجرد	فروشنده پکیج بورسی	۱۷ دقیقه
۲۰	زن	مینا	۶۰	مجرد	بیکار-کارتن خواب	۳۲ دقیقه
۲۱	مرد	متین	۲۲	مجرد	آب‌میوه فروش	۱۸ دقیقه
۲۲	مرد	محمد رضا	۳۴	متاهل	کارمند	۱۵ دقیقه
۲۳	مرد	سام	۲۱	مجرد	راننده	۱۳ دقیقه
۲۴	زن	سیمین	۲۶	مجرد	بیکار-دانشجو	۴۰ دقیقه
۲۵	زن	شادی	۳۱	متاهل	داندانپزشک	۲۶ دقیقه
۲۶	مرد	ابوالفضل	۳۷	متاهل	ساندویچ فروش	۱۸ دقیقه
۲۷	زن	فاطمه	۲۳	مجرد	فروشنده	۴۲ دقیقه
۲۸	مرد	کیان	۲۴	مجرد	بیک-دانشجو	۱۴ دقیقه
۲۹	مرد	خسرو	۵۶	متاهل	کارمند	۲۱ دقیقه
۳۰	زن	مارال	۵۱	متاهل	خانه‌دار	۱۲ دقیقه

1 Sex Worker

یافته‌های پژوهش

کدگذاری داده‌ها با ثبت ۳۰ متن مصاحبه، ۱۹ مقوله فرعی و در نهایت ۵ مقوله اصلی به دست می‌دهد که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی
فقدان زیرساخت	نورپردازی، حمل و نقل عمومی، پیاده‌راه سازی، راهنمای گردشگری، فضای سبز
فقدان احساس امنیت	روشنایی، امکان حضور مستقل زنان، امکان حضور خانوادگی، دسترسی به کیوسک انتظامی
عدم توجه به فرهنگ بومی	توجه به خرده فرهنگ مناطق، عاملیت مراکز مذهبی، علمی و تفریحی هر منطقه
فقدان مدیریت و برنامه‌ریزی	تسهیل حضور زنان، برنامه ریزی مشارکتی نهادی، نیازسنجی و ایجاد فضا و برنامه، شناخت مصرف فرهنگی-فراغتی، تسهیلات قانونی
فقدان حس تعلق	احساس فراموش شدگی، به رسمیت شناختن گروه‌های حاشیه‌ای، توانمندسازی، ایجاد برنامه‌های نوستالژیک

فقدان زیر ساخت

مصاحبه‌شوندگان معتقدند، برای زیست شبانه مناسب شهروندان بسیاری از زیرساخت‌ها فراهم نیست. یکی از مهم‌ترین مواردی که در بین مصاحبه‌ها زیاد به چشم می‌خورد بحث فقدان حمل‌ونقل عمومی در ساعات پایانی شب و محدود شدن و کم تردد شدن وسایل عمومی است که می‌توان از طریق آن‌ها با مبالغ پایین و امنیت بالا همراه با خانواده به آسودگی تردد داشت. نورپردازی در اماکن تاریخی و پیاده‌راه‌سازی در این اماکن که موجبات جلب توجه و زیبایی بصری و از سوی دیگر امنیت بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد عامل دیگری است که زیرساخت آن هنوز برای بازدیدکنندگان و افرادی که نیاز به زیست شبانه دارند فراهم نیامده است. افراد همچنین معتقدند که نوعی راهنمای گردشگری شبانه باید برای آن‌ها فراهم آید و از طریق سایت‌ها در دسترس باشد تا آن‌ها از وجود چنین مراکزی که تا ساعات پایانی شب امکان تردد و گشت و گذار در آن‌ها فراهم است، مطلع باشند. علاوه بر این بسیاری از افراد اظهار داشته‌اند که به فضاهای سبز شهری که امکان تردد شبانه و گشت و گذار عمومی در آن‌ها فراهم باشد نیاز دارند. کلیه این موارد نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مناسب شهری می‌باشد. آنچه در مقوله زیرساخت بیان شد خصوصاً در بحث نورپردازی و حمل و نقل عمومی تأثیر بسیاری در ایجاد امنیت در زیست شبانه را دارد که در مقوله بعدی به آن پرداخته شده است.

فقدان احساس امنیت

مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که حس امنیت برای زیست شبانه در بین مصاحبه‌شوندگان بسیار پایین است و خصوصاً افرادی که همراه با خانواده یا زنانی که بصورت مستقل نیاز و تمایل به زیست شبانه دارند به همین دلیل از این امر محروم می‌باشند. اکثر افراد مفاهیمی چون فقدان روشنایی کافی یا نبود سیستم حمل و نقل عمومی در ساعات پایانی شب را ذکر کرده‌اند که در مقوله زیرساخت به آن پرداخته شد. از سوی دیگر اغلب افرادی که زیست شبانه را در تهران تجربه کرده‌اند، تجربه همراهی خانواده یا حضور زنان را ندارند. چرا که اساساً چنین ساختاری برای آن‌ها فراهم نبوده است. عموماً زنانی که در این ساعات در خیابان حضور دارند یا صرفاً با ماشین شخصی تردد می‌کنند و یا کارگران جنسی، فروشندگان الکل و مواد مخدر و یا کارتن خواب‌هایی هستند که خود به سبب به حاشیه رانده شدن ساعات پایانی شب را برای کار خود انتخاب کرده و از دید عمومی خود، باعث ایجاد حس ناامنی برای دیگران

هستند. ایجاد بسترهای مناسب برای حضور خانوادگی در مکان‌های تعبیه شده برای گذران زیست شبانه موجب خواهد شد تا احساس ناامنی پایین آمده و خانواده‌ها بتوانند در کنار یکدیگر از تجربه این زیست احساس آرامش داشته باشند. علاوه بر این مصاحبه شوندگان دسترسی به کیوسک انتظامی یا گشت‌زنی موثر شبانه پلیس را به عنوان موردی از احساس آرامش و امنیت خود بیان کرده‌اند.

عدم توجه به فرهنگ بومی

تهران از مناطق مختلفی تشکیل شده که هر منطقه تا حدودی خرده‌فرهنگ‌های مشابهی را در خود جا داده است. علاوه بر این هر منطقه پتانسیل‌های خاص خود را برای ایجاد زیست شبانه فراهم می‌آورد. وجود امام‌زاده‌های معروف در هر منطقه، کتابخانه‌های خاص و فرامنطقه‌ای، بناهای تاریخی، موزه‌ها و مراکز خرید فرامنطقه‌ای هر کدام پتانسیل جداگانه‌ای برای ایجاد زیست شبانه را فراهم می‌آورد. این اختلاف‌های فرهنگی موجود، خود می‌تواند عامل جذب گردشگران شهری بسیاری باشد که از سایر مناطق تهران، موجبات زیست شبانه منطقه‌ای را فراهم آورد. یکی از مواردی که در مصاحبه‌ها بسیار به آن اشاره شده است، بحث خاموشی شبانه مناطق باوجود پتانسیل‌های فراوان زیست شبانه است. این موضوع که حتی تفریحاتی که در خارج از ساعات زیست شبانه نیز وجود دارد، محدود به برخی مناطق خاص و عدم دسترسی همگانی به آن‌هاست از مواردی است که در اکثر مصاحبه‌ها دیده می‌شود. نیاز به استفاده از کتابخانه‌ها، مراکز مذهبی، موزه‌ها و مواردی از این دست در حالی است که ساعات تعطیلی و بسته شدن درب آن‌ها امکان استفاده همیشگی از آن‌ها را از افراد گرفته و تنها محدود به ساعات خاصی از روز می‌شود. فرهنگ بومی هر منطقه می‌تواند بهترین راهگشای برنامه‌ریزی زیست شبانه در هر یک از مناطق تهران به طور جداگانه باشد.

فقدان مدیریت و برنامه‌ریزی

نیاز افراد به زیست شبانه موضوعی عام است که در سراسر دنیا از مدت‌ها قبل بر اساس مسائل بومی و فرهنگی هر کشوری به آن پرداخته شده اما متأسفانه در ایران مغفول مانده است. یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که در بخش‌های قبلی نیز به آن پرداخته شد تسهیل حضور زنان در این زیست چه به صورت مستقل و چه به صورت حضور در خانواده است که به ایجاد حس امنیت در شب شهر و حضور خانواده‌ها در شهر کمک شایانی خواهد داشت. برنامه‌ریزی و مدیریت این موضوع کمک شایانی به حضور خانواده‌ها و سلامت زیست شبانه و جلوگیری از انحراف فراغت داشته و موجبات لذت جمعی سالم و خانوادگی را فراهم خواهد آورد. از سوی دیگر ایجاد زیست شبانه نیازمند برنامه‌ریزی مشارکتی میان چندین دستگاه مختلف و مدیریت‌های آن‌هاست که در این میان، مهم‌ترین آن‌ها شهرداری تهران، نهادهای انتظامی، موزه‌ها و کتابخانه‌ها، متولیان مذهبی و ... را می‌توان نام برد. امروزه عدم مشارکت همگانی این نهادها بخشی از برنامه‌ریزی و مدیریت را ابر گذاشته و امکان اجرای زیست شبانه را از شهر گرفته است. همان طور که از متن مصاحبه‌ها نیز دیده می‌شود، افراد مختلف بر اساس سلاطین متفاوت خود نیازمند مکان‌های خاص برای ایجاد زیست شبانه ذیل قوانین جاری می‌باشند که نیازمند برنامه‌ریزی مشترک نهادهای متفاوت می‌باشد.

فقدان نیازسنجی عمومی در این زمینه و عدم شناخت مصرف فراغتی افراد در این زمینه باعث شده تا علاوه بر آنکه هیچ برنامه‌ریزی برای زیست شبانه افراد وجود نداشته، مردم نیز احساس می‌کنند این بخش از نیاز آن‌ها از سوی مسئولین دیده نشده و یا مسئولین از عهده تامین امنیت شبانه آن‌ها بر نمی‌آیند. این موارد در بسیاری از مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد. چنان‌که قوانین حال حاضر ساعت خاصی را برای تعطیلی مشاغل و حتی مغازه‌های فروش خوراکی در نظر گرفته و تخطی از این ساعت موجب

جریمه‌های بسیاری خواهد بود. بنابراین، دسترسی افراد از ساعت ۱۱ الی ۱۲ شب به بعد به بسیاری از خدمات از بین رفته و تا روشنایی صبح امکان‌پذیر نخواهد بود.

فقدان حس تعلق

آنچه در میان صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان مشهود است، فقدان حس تعلق به شهر است. این افراد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول افرادی که به حاشیه رانده شده و احساس فراموش‌شدگی و به حاشیه رانده‌شدن دارند. معتادین، کارتن‌خواب‌ها، برخی از کارگران جنسی در این دسته جاگذاری می‌شوند. آن‌ها شب را مأمی برای حضور خود دانسته و در سکوت و تاریکی آن شروع به فعالیت می‌کنند. آن‌ها معتقدند که به هیچ عنوان شهروند نبوده و از هیچ یک از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. بنابراین هیچ گونه تکلیف شهروندی نیز بر گردنشان نیست. آن‌ها در تاریکی شب گم می‌شوند و در روز نیز به گوشه‌ای می‌خزند تا مزاحمتی برای سایر شهروندان نداشته باشند. آن‌ها هیچ گونه تعلق به شهر ندارند و در پی پنهان شدن زیر چتر شب هستند. این افراد نیازمند آنند که وجود و هویت‌شان به رسمیت شناخته شود و با برنامه‌های اصولی موجبات توانمندسازی و بازگشت آن‌ها به اجتماع فراهم آید. دسته دوم افراد معمولی ساکن شهر هستند. شهر تهران یکی از مهاجرپذیرترین شهرهای ایران است. اغلب افراد اما حتی پس از سال‌ها زندگی در این شهر هنوز حس تعلق به شهر و منطقه محله سکونت خود ندارند. اجاره‌نشینی، نیاز به جابجایی در سطح مناطق بر اثر بالا رفتن مبالغ اجاره و مواردی از این دست سبب شده که آن‌ها همچنان هیچ حس نوستالژیک یا تعلق نسبت به شهر و مناطق آن نداشته باشند. مصاحبه‌شوندگان معتقدند آنچه آن‌ها را به شهر تهران پیوند می‌زند تنها بحث کار و پول درآوردن است. ساعات بازگشت آن‌ها از کار روزانه به خانه، فرصتی برای کشف و گذران اوقات فراغت در تهران را به آن‌ها نمی‌دهد و عدم وجود زیست شبانه به محدودیت تردد آن‌ها در سطح شهر دامن زده است. لذا سرخوشی‌ها، خاطره‌بازی و ایجاد حس نوستالژیک در این شهر از آن‌ها دریغ می‌شود. از دیگر سو، تنها تفریح موجود در این شهر برای آن‌ها استفاده از رستوران یا تفریحات مربوط به خوراکی است که به وفور برایشان فراهم است و این مستلزم پرداخت وجوهی است که امروزه برای همه خانواده‌ها خصوصاً خانواده‌های پرجمعیت فراهم نیست. ایجاد زیست شبانه و برنامه‌ریزی‌های فراغتی براساس نیاز افراد موضوعی است که در این بین مغفول مانده و در ترمیم این حس کمک کننده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

کدگذاری ۳۰ مصاحبه انجام شده و مقوله‌بندی آن ما را در نهایت به ۵ مقوله نهایی می‌رساند که موانع اصلی ایجاد زیست شبانه در تهران را شامل می‌شود. این مقوله‌ها عبارتند از فقدان زیرساخت، فقدان احساس امنیت، عدم توجه به فرهنگ بومی، فقدان مدیریت و برنامه‌ریزی و فقدان حس تعلق. بررسی این مقولات موید آن است که فقدان زیرساخت‌ها سهم عمده‌ای در ایجاد احساس ناامنی بین افراد دارد. عدم وجود وسایل نقلیه عمومی و روشنایی در ساعات پایانی شب، هرچند از عمده موارد فقدان زیرساخت به‌شمار می‌رود اما این موضوع موجبات ایجاد احساس ناامنی در بین شهروندان را فراهم می‌آورد. افراد علاوه بر ناتوانی از پرداخت مبالغ بالا برای دسترسی به حمل و نقل از تاکسی‌های اینترنتی در ساعات پایانی شب نسبت به تردد با وسایل نقلیه غیرعمومی اعتماد کافی را ندارند و این موضوع درخصوص زنان فراگیرتر می‌باشد.

توجه نکردن به فرهنگ بومی هر منطقه موجب عدم تمرکز بر پتانسیل گردشگری هر منطقه شده و امکان زیست شبانه را از آن سلب می‌کند، این درحالی است که پتانسیل‌های هر منطقه می‌تواند با ایجاد گردشگری شبانه در آن موجبات فربه شدن اقتصاد آن

منطقه را فراهم آورده و رضایت‌مندی دوطرفه برای افراد چه میزبانان منطقه‌ای و چه گردشگران آن را فراهم آورد. مفصل‌بندی این نتیجه با آنچه درباره عادت‌واره در نظریه بورديو مطرح شده نشان می‌دهد که وجود سبک‌های زندگی متعدد نیازمندی‌های مختلفی را برای افراد ایجاد می‌کند. بنابراین زیست‌شبانۀ صرفاً به مراکز خرید یا اغذیه‌فروشی محدود نبوده و پتانسیل‌هایی مانند مراکز مذهبی (امام‌زاده یا مساجد معروف)، کتابخانه و موزه‌ها و ... برای رفع نیازها و دربرگیرندگی خانوادگی در نقاط مختلف شهر مورد نیاز است. تعلق به شهر نیز از دیگر موضوعاتی است که طی سالها مغفول مانده است. ایجاد خاطرات شهری و نوستالژی‌های ماندگار در اذهان اهالی هر شهر همراه با به‌رسمیت شناختن گروه‌های حاشیه‌ای علاوه بر تقویت حس تعلق شهری، بالابردن سرمایه اجتماعی اهالی آن شهر را به دنبال خواهد داشت که این موضوع می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و در نهایت، پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک شایانی داشته و در کاهش آسیب‌های اجتماعی تاثیرگذار باشد. با توجه به دیدگاه زیمل در مورد سبک زندگی، هویت افراد در رابطه با جامعه‌شان تعریف می‌شود. بنابراین الزام ایجاد تعلق شهری به افراد در نحوه هویت‌یابی آنان و تسلط فرهنگ عینی برای زندگی روزمره افراد، به روشنی قابل درک است.

کلیه مواردی که بیان شد فقدان مدیریت و برنامه‌ریزی یکپارچه برای دستیابی به زیست‌شبانۀ شهر را نشان می‌دهد. وجود مشارکت میان سازمانی برای ایجاد شرایطی دست‌یافتنی الزامی است و جز با مشارکت میان‌سازمانی نمی‌توان به ایجاد و پیشبرد بهینه شرایط زیست دست یافت. مشارکت و برنامه‌ریزی هدفمند سازمان‌هایی چون شهرداری تهران، نیروهای انتظامی، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ نقش عمده‌ای در برطرف کردن موانع و ایجاد زیست امن و سالم شبانۀ شهری در تهران خواهد داشت.

منابع

- آتشین‌صدف، عبدالرضا و خیری، محمد. (۱۳۹۹). بررسی فلسفی رابطه سبک زندگی، پول و مد از منظر جورج زیمل. *پژوهشنامه سبک زندگی*، ۱۶(۱)، ۶۷-۵۱.
- ابادری، یوسفعلی؛ و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، ۱۰(پیاپی ۲۰)، ۲۷-۳.
- ابراهیمی، قربانعلی، رازقی، نادر و مسلمی پطرودی، رقیه. (۱۳۹۰). اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: (مطالعه‌ی موردی افراد ۶۴-۱۵ ساله‌ی شهرستان جویبار). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۴)، ۹۸-۷۱.
- امیرحاجلو، ا. تولایی، س. زنگنه، ع و زنگنه، ع. (۱۳۹۲). ارزیابی و طبقه‌بندی اثرات گردشگری در سطح ملی با استفاده از تکنیک TOPSIS، *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳(۱۰)، ۲۶-۱۵.
- امین فر، صبورا؛ لبخندقی، محسن و قربانعلی دولابی، مجید، (۱۳۹۸). مبانی نظریه خط مشی حوزه فراغت از منظر حکمت اسلامی، *مطالعات اندیشه معاصر مسلمین*، ۵(۹)، ۱۳۷ تا ۱۷۵.
- خوردین رامین، خیرالدین رضا، علی‌الحسابی مهران، (۱۳۹۹). زندگی شبانۀ شهری از منظر آموزه‌های اسلامی: استنباط الگوی بومی شهر ۲۴ ساعته و حیات شبانۀ متناسب با سبک زندگی اسلامی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۸(۴)، ۳۶-۱۳.
- دوستی، سمانه، (۱۴۰۱). امکان سنجی اجرای طرح زندگی شبانۀ با رویکرد پدیدارشناسی در منطقه ۲۲، *معماری شناسی*، سال پنجم، شماره ۲۴، زیمل، گئورک، (۱۳۹۵). *گزیده مقالات با مقدمه زیگفرید کراکاور*. ترجمه شاپور بهیمان. تهران: دنیای اقتصاد.
- شیخ بیگلو، رعنا، و تبریزی، نازنین. (۱۳۹۵). توسعه گردشگری شبانۀ شهری در ایران تحلیل مقایسه‌ای شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد و یزد. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۴)، ۵۸-۴۵.

صادقی‌بخش، علیرضا؛ استعلاجی، علیرضا و سرور، رحیم. (۱۳۹۸). آثار اقتصادی و اجتماعی تحقق حیات شبانه در برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: تهران و حوزه نفوذ). *نشریه جغرافیای سرزمین*، ۶۴، ۱۰۴-۱۱۹.

صادقی‌مقدم چوکامی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۳). تبیین و اولویت‌بندی معیارهای ارتقاء سرزندگی فضاهای شهری از طریق ایجاد زندگی شبانه با استفاده از مدل تحلیل فرایند سلسله مراتبی AHP (نمونه موردی: خیابان ولیعصر قزوین). اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران: موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران.

صمدی، رضا و همکاران، (۱۴۰۰). برنامه ریزی و آمایش راهبردهای تحقق شهر شبانه در کلان شهر مشهد با تأکید بر شاخص‌های سرزندگی شهری. *آمایش جغرافیایی فضا*، ۱۱ (۴۱)، ۱-۲۲.

گرونو، یوگا، (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سلیقه*، ترجمه مسعود کیان‌پور، تهران: مرکز گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.

مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۹۰). *دین و سبک زندگی: مطالعه موردی مصاحبه‌شوندگان در جلسات مذهبی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

وبلن، تورستین (۱۳۹۶). *نظریه طبقه تن آسا* (مترجم: فرهنگ ارشاد). تهران: نشر نی.

- Auger, D., Roul, R., and Gravelle, F. (Eds.). (2018). *Introduction aux études en loisir*. Les éditions Reynald Goulet Inc.
- Bammel, G. and Bammel, L.L.B. (1996). *Leisure and Human Behavior*. 3th ed. Boston, USA: Brown and Benchmark Publishers.
- Bocock, R. (1993). *Consumption and lifestyles*. In Robert Bocock & Kenneth Thompson (Eds). *Social and Cultural Forms of Modernity*. Oxford, UK: Open University Press.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction, a social critique of the judgement of taste*. London: Routledge.
- Cockerham, W. C. (1997). The social determinants of the decline of life expectancy in Russia and Eastern Europe: a lifestyle explanation. *Journal of Health and Social Behavior*, 38(2), 117-130.
- Concise Oxford English Dictionary*: 11th Edition Revised. (2008). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Dumazier, Joffer. (1988). *La révolution culturelle du temps libre*. 1968-1988, Paris, France. Meridians Klincksieck.
- Elshater, A., Abusaada, H. (2022). Effects of nightlife activities on urban spaces and design: a case study of Cairo, Egypt. *City Territ Archit* .9, 5.
- Evans, D. & T. Jackson (2007). *Towards a sociology of sustainable lifestyles*. Guildford, UK: University of Surrey Press.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: self and society in the late modern age*. Cambridge: Polity Press.
- Giovanardi, M.; Lucarelli, A. and L'Espoir D. P. (2014). Co-performing tourism places: The "Pink Night" festival, *Annals of Tourism Research*, No. 44, pp. 102-115.
- Kreitzman, Leon. (1999). *The 24 hour society*. London, UK: Profile Books Ltd.
- The Cambridge Dictionary of Sociology*. (2006). Edited by Bryan S. Turner. Kambridge, UK: Cambridge University Press & Assessment.
- Liu, Y., Zhang, Y., Zhang, X. et al. (2023). A geographical perspective on the formation of urban nightlife landscape. *Humanit Soc Sci Commun*.10, 483.
- Merriam Webster Dictionary*. (2004). Massachusetts, USA: Merriam Webster Inc.
- Ngesan MR, Karim HA, Zubir SS. (2013). Nighttime place identity: the relationship between urban public parks setting and human leisure behavior. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, 79: N 2.
- Ross, A., & Searle, M. (2019). A conceptual model of leisure time physical activity, neighborhood environment, and sense of community. *Environment and Behavior*, 51(6), 749-781.
- Rowe, David. Et al. 2008. *The City after Dark, Cultural Planning and Governance of the Night-Time Economy in Parramatta*, University of Western Sydney.
- Rowe, David, and Nathaniel Bavinton. (2011). Tender for the night: After-dark cultural complexities in the nighttime economy. *Continuum*, 25(6): 811-825.

- Rowe, David, and Rob Lynch. (2012). Work and play in the city: some reflections on the nighttime leisure economy of Sydney. *Annals of Leisure Research*, 15: 2.
- Shaw, Robert. (2014). Beyond nighttime economy: Affective atmospheres of the urban night, *Geoforum*, No. 51, pp. 87-95.
- Simmel, George, *Die Großstädte und das Geistesleben*, 2006, Suhrkamp Verlag; 2nd edition
- Zaki, S. A. and Ngesan, M. R. (2012). A Future Town Redesigned - How Movement Pattern is affected with the Concept of Night City, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 36, 204-210.